

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رهیافت**

سال سیزدهم، شماره ۴۹، زمستان ۱۳۹۸
صفحه ۲۵ تا ۴۴

گفتمان‌های حقوق زنان پس از انقلاب اسلامی با تأکید بر شهادت زنان

معصومه مرادی / دانشجوی دکتری گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. moradisa@yahoo.com
ابراهیم یاقوتی / استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) yaghouti2010@yahoo.com
زهرا فهرستی / استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Fehrest41@yahoo.com

چکیده

این پژوهش به منظور دستیابی به وجوه تمایز گفتمان‌های حقوق زنان پس از انقلاب اسلامی و تبیین مساله حقوقی شهادت زنان در بستر این گفتمان‌ها است. پیش فرض اصلی پژوهش آن است که این گفتمان‌ها بر اساس جبهه‌گیری درباره دو مقوله کلیدی "شبهات و تساوی حقوقی زن و مرد" از همدیگر متمایز می‌شوند و در بستر این تمایز مساله حقوقی شهادت زنان در آنها قابلیت تبیین می‌یابد. پژوهش حاضر با برگزیدن نظریه و روش تحلیل گفتمان براساس خوانش لاکلاو و موف انجام یافته است. جامعه آماری پژوهش متون تاریخی مربوط به مکاتب فکری و در گفتمان اسلامی قرآن و روایات معصومین و تفاسیر مفسرین و فقهای دینی می‌باشد که به صورت هدفمند انتخاب شده است. نتایج نشان از تمایز سه گفتمان حقوقی سنتی، مدرنیته و اسلامی دارد. گفتمان اسلامی پس از انقلاب اسلامی به عنوان گفتمان غالب و مسلط، زن را برخوردار از تمام تکالیف و حقوق اجتماعی و سیاسی می‌داند. نگارنده بر مبنای نقد دو دیدگاه سنتی به این نتیجه می‌رسد که نقد این دو دیدگاه بی آنکه با مبنای گفتمان حقوقی اسلام در تضاد باشد می‌تواند زمینه ساز بازنگری در احکام شهادت زنان در مجامع حقوقی و قضایی گردد.

کلیدواژه: گفتمان، تحلیل گفتمان، انقلاب اسلامی، سنت، مدرنیته، حقوق زن، شهادت بانوان.

تاریخ تأیید ۱۳۹۸/۱۱/۱۱

تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۱۰/۱۵

مقدمه

شان و موقعیت اجتماعی و وضعیت حقوقی و قانونی زن، امروزه مطالعات گسترده ای را از منظرهای مختلف به خود اختصاص داده است. این مطالعات در بستر گفتمان های متفاوت و گاه متضاد شکل می گیرند. گفتمان شیوه ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن (یا فهم یکی از وجوه آن) است (یورگنسن و فیلیس، ۱۳۸۹: ۱۸)؛ و به تبع آن گفتمان های حقوقی زنان نیز شیوه های خاصی است که افراد و گروه ها برای سخن گفتن درباره نوع و میزان تفاوت ها و نابرابری هایی به کار می گیرند که در برخی احکام حقوقی میان زن و مرد وجود دارد. این گفتمان ها حتی به این مساله نیز می پردازند که آیا این تفاوت ها و نابرابری ها ضرورت دارند یا نه. و چه مبنای فکری و استدلالی برای تبیین وجود یا عدم وجود این تفاوت ها و نابرابری ها می توان ذکر نمود. رقابت و جدال این گفتمان ها موجب ایجاد فضایی بحث برانگیز شده است که به تعبیر مقام معظم رهبری می توان از آن به عنوان «بحران زن» یاد نمود. (بیانات رهبر انقلاب در دیدار با جمعی از بانوان نخبه، ۱۳۹۰/۲/۱).

آن چه مسلم است در دیانت اسلام، جایگاه فردی و اجتماعی زن و کرامت او نسبت به دوره ها و اعصار گذشته پیشرفت محسوسی نمود و این پیشرفت با مشاهده آیات قران کریم محرز و ملموس است (احزاب: ۳۵). در آموزه های دینی اسلام، در نزد خدا زن و مرد بودن مطرح نیست و عمل هر شخص معرف اوست (نحل: ۹۷). بر اساس این تفکر در بسیاری از موارد مجازات زن و مرد یکسان است (مائده: ۳۸، نور: ۲) با این حال در برخی شئون حیاتی، تفاوت هایی بین زن و مرد وجود دارد، مانند مسئله ارث (نساء: ۱۱) و دیه (بقره: ۱۷۸) و شهادت (نصف بودن ارزش شهادت زن نسبت به مرد (بقره: ۲۸۲))

این آیاتی هستند که شائبه تبعیض جنسیتی از آنها به مشام می رسد. امروزه با توجه به شبهات مختلفی که به صورت مختلف در بخش فقه وجود دارد لازم است با تسلط بر شالوده و ساختار گفتمان های منتقد و معاند با گفتمان اسلامی به ویژه دال های مرکزی و اصلی این گفتمان ها پاسخی مناسب و مستدل به این شبهات داده شود. برخی از این شبهات به تفاوت های جنسیتی در برخی احکام دینی اسلام مربوط می شود. برخی گفتمان های التقاطی تحت تاثیر حقوق مدرنیته گاه به منظور بی اعتبار نمودن احکام فقهی استدلال می کنند که اسلام شاید در زمان خود برای زنان امتیازی قائل شده ولی با توجه به پیشرفت های اجتماعی زنان، امروزه این احکام پاسخ گوی نیاز زنان نیست. وقتی جواب مستدل به اینگونه شائبه ها و استدلال های عقیم داده نشود با جولان گفتمان های لیبرالیستی و فمینیستی شاهد تقلیل التزام

مردم مسلمان به احکام دینی و ایجاد حساسیت و بد بینی نسبت به آن احکام، خصوصاً در میان بانوان خواهیم بود. یکی از موارد مهم در این مساله شهادت زنان است که در این پژوهش با تبیین جایگاه زنان در گفتمان‌های پس از انقلاب اسلامی با رویکردی نوین به آن پرداخته شده است. پژوهش حاضر بر آن است که با برگزیدن نظریه و روش تحلیل گفتمان براساس خوانش لاکلاو و موف با تحلیل متون اسلامی و تاریخی به پاسخ سوالات زیر دست یابد:

الف- گفتمان‌های حقوق زنان پس از انقلاب اسلامی کدامند و چگونه می‌توان آنها را از همدیگر متمایز نمود؟

ب- در بستر این گفتمان‌ها مساله حقوقی شهادت زن را چگونه می‌توان تبیین نمود؟

مفاهیم نظری: شهادت

شهادت را از نظر لغوی به معنی خبر قاطع (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۲۲۳) و حضور و معاینه (القیومی، ۱۴۲۵ ق: ۳۲۴) و به معنی اخبار از روی علم و یقین (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۴۶۵). گفته اند و صاحب جواهر در تعریف اصطلاحی شهادت گفته است: «خبری که به طور جزم و یقین درباره حق دیگری از طرف شخصی غیر از حاکم بیان شود و مرجع تشخیص آن از سایر اخبار که شهادت نمی باشد عرف است.» (نجفی، ۱۹۸۱: ۷) اگر چه شهادت در قوانین ایران تعرف نشده است، اما حقوق دانان به تعریف شهادت پرداخته اند. در تعریفی از شهادت چنین آمده است «شهادت عبارت است از بیان اطلاعاتی که شخص به طور مستقیم از واقعه ای دارد.» (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۳۵۸). در این نوشتار مراد از شهادت معنای اصطلاحی آن است.

روش تحقیق: تحلیل گفتمان لاکلاو و موف

اصطلاح تحلیل گفتمان نخستین بار توسط زلیک هریس به کار رفت (شفرین، ۱۹۹۴: ۲۴). تحلیل گفتمان برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان شناسانه صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل دهنده جمله به عنوان عمده ترین مبنای تشریح معنا سروکار ندارد بلکه فراتر از آن، با عوامل بیرون از متن یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، ارتباطی و امثال آن سروکار دارد. بنابراین، تحلیل گفتمان، چگونگی تبلور و شکل گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی (زمینه، متن و واحدهای زبانی) و عوامل بیرون زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، ارتباطی و موقعیتی) بررسی می‌کند (بشیر، ۱۳۹۱: ۵۹).

تحلیل گفتمان در بعد نظریه معنایی ریشه در زبان شناسی ساختارگرایی سوسوری و در جهت نظریه اجتماعی، نظریه ای ترکیبی است و ریشه در اندیشه های افرادی مانند دریدا، فوکو، مارکس و گرامشی دارد (مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۱). مهمترین نظریه های تحلیل گفتمان، نظریه فردینان دو سوسور (بی یرویش، ۱۳۶۳: ۳۰-۳۱)؛ نظریه «منطق گفتگویی» میخائیل باختین (میلنر، و براویت، ۱۳۸۵: ۱۴۳)؛ زبان شناسی کاربردی سیستمیک هلیدی؛ نظریه فراگفتمان جیمز پل گی؛ نظریه تئو ون دایک (ون دایک، ۱۳۸۲: ۱۲۶)؛ رهیافت گفتمانی تاریخی روٹ وداک؛ رهیافت شبکه ای نظام بخش زیگفرد جاگر (جاگر، ۲۰۰۱) و روانشناسی گفتمانی (یورگنسن و فیلیس، ۱۳۸۹: ۱۶۳ و ۱۷۷) نظریه گفتمان ارنستو لاکلائو و شانتال موف؛ و تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف است. در این پژوهش از روش تحلیل گفتمان لاکلائو و موف استفاده شده است که با بسط نظریه معنایی متشکل از مجموعه ای از مفاهیم به هم مرتبط و ایجاد ساختاری نظاممند از آنها توانسته به تبیین، تحلیل عملکرد پدیده های اجتماعی سیاسی و نیز ارتقای ظرفیت پیش بینی، پیشگویی و تحول آفرینی در جوامع دست یازد (مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۱). این رویکرد نظری تمایزی میان ابعاد گفتمانی و غیرگفتمانی امر اجتماعی قائل نمی شود. تمامی عمل ها، گفتمانی اند. این بدان معنا نیست که چیزی جز متن و حرف وجود ندارد بلکه به عکس، به این معنا است که خود گفتمان، امری مادی است و پدیده هایی همچون اقتصاد و دیگر نهادها، جزئی از گفتمان اند.

لاکلائو و موف نظریه شان را از طریق واسازی سایر نظریه ها تدوین کرده اند (یورگنسن و فیلیس، ۱۳۸۹: ۵۴) آنها نظریه خود را با تلفیق و حک و اصلاح دو سنت نظری عمده یعنی مارکسیسم و ساختارگرایی در قالب یک نظریه پسا ساختارگرا ساختند. مارکسیسم نقطه شروعی برای اندیشیدن راجع به امر اجتماعی در اختیار آنها قرار داد و ساختارگرایی نظریه ای درباره معنا. (لاکلائو و موف، ۱۹۸۵). در زیر به بررسی مفاهیم و مولفه های اصلی نظریه لاکلائو و موف می پردازیم.

دال و مدلول: دال ها، اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب های گفتمانی خاص بر معانی خاص دلالت می کنند. در میان تمامی دال های یک گفتمان، به شخص، نماد، یا مفهومی که سایر دال ها حول محور آن جمع و مفصل بندی می شوند " دال مرکزی " می گویند. دال مرکزی به مثابه عمود خیمه است که اگر برداشته شود، خیمه فرو می ریزد. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت دارد، مدلول نامیده

می‌شود. دال شناور دالی است که مدلول آن ثابت نیست و گروه‌های مختلف سیاسی برای انتساب مدلول مورد نظر خود با آن، باهم رقابت می‌کنند.

عنصر و دقایق: عناصر نشانه‌هایی هستند که معنایشان هنوز تثبیت نشده و معانی چندگانه ای دارند. دقایق نیز عناصری هستند که معنایشان در درون گفتمان و توسط مفصل بندی گفتمان تثبیت شده است. با استفاده از مفهوم عنصر و دقیقه می‌توان گفت که گفتمان تلاش می‌کند تا به وسیله کاهش چند معنایی به یک معنی کاملاً تثبیت شده «عناصر» را به «دقیقه‌ها» تبدیل کند. به اصطلاح لاکلاو و موف گفتمان یک انجماد، یعنی توقف موقتی برای سیالیت معنای نشانه‌ها ایجاد می‌کند. اما این انجماد هرگز قطعی نیست. به عبارت دیگر گذر از عناصر به دقیقه‌ها هرگز تکمیل نمی‌شود (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۱۰).

مفصل بندی: کنشی که میان عناصر مختلف مانند مفاهیم، دال‌ها، نمادها و ... چنان رابطه ای ایجاد می‌کند که هویت اولیه آنها دگرگون شده، هویتی جدید بیابند را مفصل بندی می‌نامند. از این رو، هویت یک گفتمان در اثر رابطه ای شکل می‌گیرد که از طریق عمل مفصل بندی میان عناصر گوناگون به وجود می‌آید (تاجیک، ۱۳۸۴: ۴۶).

ضدیت، غیریت، برجسته سازی و حاشیه رانی: گفتمان‌ها اساساً "در تفاوت و ضدیت با یکدیگر شکل می‌گیرند. هویت یابی یک گفتمان، صرفاً در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکان پذیر است. هویت تمامی گفتمان‌ها مشروط به وجود غیر است. از این رو آنها برای کسب هویت، همواره غیریت سازی می‌کنند.

مفهوم غیریت در ذات خود با مفاهیم "برجسته سازی" و "حاشیه رانی" همراه است. این دو مفهوم به شکل‌های مختلف در عرصه منازعات گفتمانی ظاهر می‌شوند. طرد یا حاشیه رانی نقاط ضعف خود و نقاط قوت رقیب و برجسته سازی نقاط قوت خود، شیوه ای برای حفظ و استمرار قدرت و هژمونی یک گفتمان است (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۶۷).

منطق تفاوت: منطق تفاوت به ویژگی متکثر بودن جامعه اشاره دارد و بر تمایزها و تفاوت‌های میان نیروهای اجتماعی تاکید می‌کند. اما گفتمان‌ها پیوسته در تلاش هستند تا تفاوت‌های موجود را پنهان کنند و جامعه را یکدست نشان بدهند. این کار به وسیله ایجاد یک زنجیره انجام می‌شود. با اینهمه پنهان کردن تفاوت‌ها همیشه موقتی است و هر لحظه این امکان وجود دارد که اختلافات هویدا بشود (اسمیث، ۱۹۹۸: ۸۹). چراکه منطق تفاوت می‌کوشد از راه تاکید بر تفاوت‌ها و تنوعات و به تبع آن اختلافات موجود در عرصه اجتماعی "زنجیره هم ارزی" موجود را به هم بریزد.

هژمونی و تزلزل: اگر بر سر معنایی خاص برای یک دال در جامعه اجماع حاصل بشود، به عبارت دیگر، افکار عمومی معنایی مشخص را برای آن هر چند به طور موقت بپذیرند، آن دال هژمونیک می شود. تثبیت موقت هویت ها، اصلی ترین کارویژه هژمونی در گفتمان است. دستیابی به هژمونی یا استیلا بر ساخت اجتماعی که غایت یک گفتمان به شما می رود به کمک تثبیت معنا امکان پذیر خواهد بود.

اساساً هژمونی و تثبیت معنای دال ها در تمام گفتمان ها موقتی است (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۲۰). گفتمان ها به وسیله گفتمان های رقیب و بحران های اجتماعی متزلزل می شوند. بنابراین، همواره این امکان وجود دارد که معنای تثبیت شده دال های یک گفتمان متزلزل یا بی قرار شود. هنگامی که نظام معنایی یک گفتمان متزلزل شود، کل آن متزلزل می شود و زمینه برای جانشینی گفتمان رقیب فراهم می شود

دال خالی: وجود دال خالی در فضای سیاسی بیانگر وجود تقاضا برای عرصه های جدیدی است که سایر گفتمان ها می توانند با پر کردن آن بستر مناسبی برای بدیل سازی خود به جای گفتمان حاکم طرح کنند. وجود دال خالی امکان پیش بینی شرایط آینده و دوام گفتمان ها را میسر می سازد. بدین معنا که هر گفتمانی که بتواند دال های خالی را پیش بینی و پیش یابی کند، می تواند حول آنها مفصل بندی و نظام معنایی خود را توسعه و خود را به عنوان نمونه آرمانی و مطلوب جلوه دهد و با ایجاد اجتماعی نسبی هژمونیک شده و زمینه شالوده شکنی گفتمان حاکم را فراهم آورد.

قدرت: قدرت از نظر لاکلاو و موف عبارت است از «توانایی تعریف کردن، و تحمیل این تعریف در برابر هر آنچه آن را نفی می کند» (نش، ۱۳۹۰: ۴۹). این تعریف، وامدار تعریف فوکو از قدرت است. فوکو قدرت را به مثابه مویرگ های پراکنده در سراسر جامعه می داند که در دست گروه یا حزبی واقع نمی گردد. قدرت جامعه، سوژه ها و کل حیات اجتماعی را تحت تأثیر خویش قرار می دهد و آن را معنادار می کند.

هویت: نظریه گفتمان بر امکانی بودن همه هویت های اجتماعی تاکید دارد، ولی با این وجود تاکید می کند که تثبیت جزئی ممکن و ضروری است. لاکلاو و موف بیان می کنند که هویت توسط مفصل بندی یا مفصل بندی مجدد دلالت گر، آشکار می شود. از این رو، آنها مفصل بندی را بعنوان هر اقدام برقرار کننده رابطه بین عناصر، به گونه ای که هویتشان ناشی از عمل مفصل بندی باشد تعریف می کنند (دیوید هوارث و یانیس استاوراکیس، ۲۰۰۰: ۷ به نقل از قجری، ۱۳۹۲: ۵۷-۵۸).

شیوه اجرای تحلیل: پژوهش حاضر از نوع کیفی با روش کتابخانه ای و با بررسی متون مختلف مکاتب حقوقی و کتب دینی اسلام با روش توصیفی و تحلیلی انجام گرفته است. در این پژوهش از روش تحلیل گفتمان لاکلاو و موف استفاده شده است. برای دستیابی به پاسخ پرسشهای پژوهش، مضامین از منابع حقوقی و کتب دینی و فقهی اسلام با استفاده از فیش برداری متون، جمع آوری شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و ارائه یافته‌ها

دسته بندی مناسب از گفتمان‌های حقوقی زنان بر اساس جبهه گیری درباره دو مقوله کلیدی "شبهات حقوقی زن و مرد" و "تساوی حقوقی زن و مرد" می‌تواند انجام گیرد. بر اساس این جبهه گیری، سه گفتمان حقوقی را می‌توان از همدیگر متمایز نمود (جدول ۱).

جدول ۱- دسته بندی گفتمان‌های حقوقی زنان

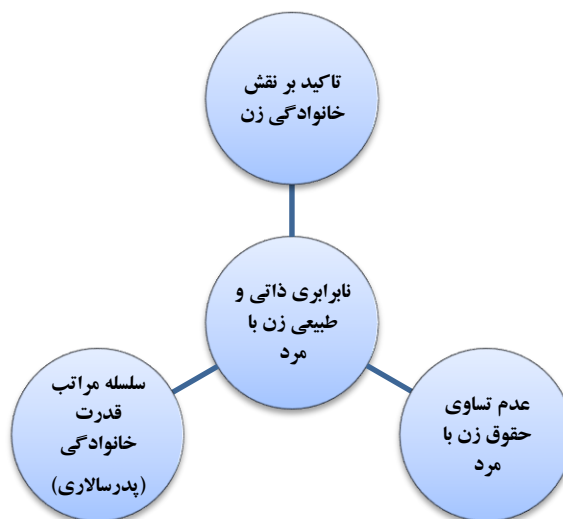
نام گفتمان	جبهه گیری درباره شبهات حقوقی زن و مرد	جبهه گیری درباره تساوی حقوقی زن و مرد
سنتی و محافظه کار	مخالفت	مخالفت
مدرنیته	حمایت	حمایت
اسلامی	مخالفت	حمایت

گفتمان حقوقی سنتی و محافظه کار

سنت وسیله ای است که از طریق آن هر کودک چیزی از رسوم اخلاقی و ذخیره دانش متراکم و تعصب نیاکانش را فرا می‌گیرد (گولد و کولب، ۱۳۸۴: ۵۱۹). مفصل بندی گفتمان حقوق سنتی بر حول نشانه مرکزی "نابرابری ذاتی و طبیعی حقوق زن با مرد" موجب می‌شود نظام معنایی ویژه ای شکل بگیرد که بر اساس آن هم بر عدم شبهات و هم بر عدم تساوی حقوقی زن و مرد تاکید شود. پیشینه معرفت شناسی گفتمان حقوقی سنتی، نگاه منفی به زن و تفاوت بین زن و مرد در کسب کمالات انسانی است. این نگاه مسائل حقوقی و اجتماعی مربوط به زنان را نیز دربر می‌گرفت. گفتمان سنتی برای حیات فردی و اجتماعی اقشار مختلف از جمله زنان قواعد متفاوتی معرفی می‌کند. «در رم، پدر خانواده، حق داشته به حیات هریک از اعضای خانواده مخصوصاً زن خود خاتمه دهد و ناچار نبود به هیچیک از مقامات رسمی و عمومی، در خصوص تصمیمی که گرفته توضیحی داده یا دلیلی ذکر کند. در خانواده‌های رومی، قرابت و خویشاوندی رسمی و حقوقی جز بین مرد با مرد، معنا نداشت و بین زن با مرد یا زن با زن خویشاوندی حقوقی وجود نداشت. میراث پدر فقط به پسرانی می‌رسید که فرزند حقوقی او بوده‌اند و عموم دختران و پسرانی که اخراج یا آزاد می‌شدند و نیز زن متوفی حقی در میراث نداشتند.» (صدر، ۱۳۷۵: ۲۷-۲۶).

در جامعه‌ای مثل عربستان قبل از اسلام، زن بدترین موقعیت اجتماعی را دارا بوده است. در زمانی که در شرق و غرب، از اطلاق عنوان «انسان» بر زن، دریغ می‌کردند و با او معامله مملوک یا بنده زر خرید می‌شد، جای تعجب نیست که در عربستان جاهلی دختران بیگناه زنده‌به‌گور شوند و دختران در نظر پدران، و زنان در نظر شوهران، موجوداتی ضعیف و بی‌قیمت یا شیء قابل تملک و قابل معامله باشند. «در ایران قبل از اسلام نیز زنان، شخصیت اجتماعی و صلاحیت معاملات حقوقی نداشته‌اند و رأی مرد درباره آنها نافذ بوده است. زنان، حق رأی و اختیار و تشخیص خیر و شر در زندگی خود نداشته و نفوذ مطلق العنان مرد، طاقت‌فرسا بوده است (مطهری، ۱۳۵۳: ۱۵) گفتمان حقوق سنتی، وضعیت فرو دست یا حداقل متفاوت زنان را با تکیه به طبیعت و نقش طبیعی آنها به عنوان مادر توضیح می‌داد و از آموزه‌های دینی و عرفی برای توجیه آن استفاده می‌کرد (مشیرزاده، ۱۳۷۸، ۱۴).

حتی در دوره مدرنیته نیز برخی گفتمان‌ها با ساختار شکنی و وام‌گیری برخی دال‌های گفتمان سنتی، در مخالفت با برخی حقوق زنان قرائتی نوین و سازگار با الزامات زندگی مدرن ارایه می‌کنند. برخی اندیشمندان اجتماعی همانند دورکیم، پارسونز، الیزابت بات و هلموت شلسکی در مخالفت با برخی حقوق زنان، نابرابری میان زن و مرد را از عوامل ثبات خانواده ارزیابی می‌کنند (حکمت‌نیا، ۱۳۹۵: ۳۴).



شکل ۱- مفصل بندی گفتمان حقوق سنتی

زنجیره هم ارزی این گفتمان در دوره معاصر را می توان در قرائت های گروه های سنتی اسلامی همانند گروه های تکفیری (طالبان، داعش و...) که اندیشه های خود را تحت عنوان دین اسلام معرفی می کنند جستجو کرد. این گروه ها در دوره قدرت گیری خود در پی آن بودند که این گفتمان حقوقی را بر قلمرو تحت کنترل خود به اجرا در بیاورند.

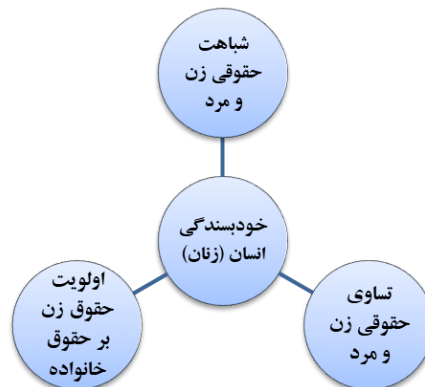
تبیین شهادت زن در بستر گفتمان سنتی

در بستر گفتمان سنتی که حاصل آمیزش میراث تاریخی و دیدگاه خاصی از مذهب در قرون متمادی است، زنان به لحاظ ذهنی و جسمی موجوداتی پایین تر از مردان در نظر گرفته میشوند و مسلم است که در فضای این گفتمان، زن از هیچ حقی از جمله شهادت برخوردار نیست و شهادت او فاقد اعتبار حقوقی است.

گفتمان حقوقی مدرنیته

در طیف مخالف گفتمان حقوقی سنتی، گفتمان حقوقی مدرنیته قرار دارد که نه تنها بر تساوی بین حقوق مرد و زن بلکه بر تشابه حقوق آنها تاکید دارد. رویکرد حقوقی فمینیسم و لیبرالیسم از شناخته شده ترین این طیف گفتمانی هستند. در تبارشناسی این گفتمان باید اشاره نمود «از قرن هفده و هجده به بعد در زمینه مسائل اجتماعی، توجه به حقوق بشر در غرب شکل گرفت. از اصول اساسی آن این بود که انسان بالفطره و به فرمان خلقت و طبیعت، واجد یک سلسله حقوق و آزادی هاست که نمی توان از فرد یا قومی سلب کرد.» (مطهری، ۱۳۵۳: ۵۱).

در مفصل بندی گفتمان حقوق مدرنیته حول نشانه مرکزی خودبستگی انسان (زن)، نظام معنایی متشکل از دالهای اصلی "اولویت حقوق زن بر حقوق خانواده"، "تساوی حقوقی بین زن و مرد" و "شبهات حقوقی بین زن و مرد" شکل گرفته است. این گفتمان مبتنی بر نگرش اومانیستی به انسان است که به چیزی فراتر از عقل بشری اعتقاد ندارد. بر این اساس زن، مالک روح و جسم خویش است و خودش نیز باید در مورد استفاده از آن تصمیم گیرد. این خودبستگی بدون قید و بند در تضاد با آموزه های دینی قرار دارد. دال اصلی باور به عدم تفاوت حقوقی بین زن و مرد موجب می شود در این گفتمان حقوقی، تفاوت های طبیعی بین زن و مرد نادیده گرفته و بیشتر معلول فرهنگ مرد سالار حاکم بر جامعه تلقی می شود.



شکل ۲- مفصل بندی گفتمان حقوق مدرنیته

زنجیره هم ارزی گفتمان مدرنیته در دوره معاصر ایران را باید در دوره پیش از انقلاب اسلامی به ویژه در دوره پهلوی جستجو کرد. پس از انقلاب اسلامی نیز برخی گروه های فمینیستی و لیبرالیستی در پوشش طیف های مختلف سیاسی در پی استیلای این گفتمان حقوقی در کشور بوده اند.

تبیین شهادت زن در بستر گفتمان حقوق مدرنیته

با توجه به اینکه گفتمان حقوق مدرنیته هیچ تفاوتی در امور حقوقی و قضایی بین زن و مرد قایل نیست، هیچ تفاوت جنسیتی در مساله شهادت حقوقی وجود ندارد. کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان بر اساس گفتمان حقوق مدرنیته تدوین شده است. هر چند که در هیچ یک از مواد این کنوانسیون تبع به طور مستقیم مسئله شهادت زنان تصریح نگردیده، اما برخی مواد را به صورت عام می توان بر مصادیقی از جمله شهادت زنان حمل نمود. بند ۲ ماده ۲، و ماده ۱۵ کنوانسیون بر رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، و لزوم اعطای حقوق مساوی برای زنان همانند مردان تاکید دارند.

گفتمان حقوقی اسلام

گفتمان حقوقی اسلام با شناسایی دال های خالی گفتمان های سنتی بر اساس تعالیم الهی و بر اساس فطرت انسانی توانست در مدت کوتاهی به گفتمان غالب در دوره ظهور و رشد خود در اعصار مختلف تبدیل شود. مهمترین دال خالی مورد تاکید گفتمان اسلامی، کرامت و فطرت انسانی بود که فارغ از جنسیت زمینه شکوفایی جوهره انسانی را فراهم می کرد. در بستر این گفتمان، نگرش به زن و حقوق او متحول شد. ابتدا در جامعه عربستان که دختران معصوم به عنوان مایه های شرمندگی، زنده به زیر خاک می شدند و زن مانند اموال، به ورثه

می‌رسید زنان مایهٔ مودت و رحمت، معرفی شدند و سپس این فرهنگ به احیای حقوق و کرامت زن در سطح جهانی دامن زد. چنین نگرشی، دیدگاه‌ها را بتدریج نسبت به زن تغییر می‌دهد و زن را در جایگاه واقعی‌اش می‌نشانند. پس از اسلام، مقررات نکاح، ازدواج با محارم، میراث زن، طلاق، مشارکت زن در امور اجتماعی و اقتصادی همگی دچار تحول بنفع زنان شده و زن به عنوان عضوی اصیل از جامعه، حق مشارکت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در تعیین سرنوشت خود را می‌یابد.

در گفتمان حقوقی اسلام، مخاطبین احکام و قوانین انسانها هستند و مقررات دینی اختصاصی به مرد یا زن ندارد (احزاب: ۳۵-۳۶، آل عمران: ۱۹۵، تحریم: ۱۰-۱۲). بنابراین در تمام مقرراتی که موضوع آنها انسان بما هو انسان است تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد. اما در برخی مقررات که انسان با توجه به ویژگی خاص او مخاطب حکم قرار می‌گیرد، به ویژگی و خصوصیات مادی، معنوی و اوضاع و احوال و شرایط زمانی و مکانی توجه می‌شود. در واقع تفاوت در این ویژگی‌ها و خصوصیات طبیعی سبب وضع احکام و مقررات متفاوت و غیرمشابه می‌شود. «ریشه تفاوت یا عدم تشابه میان زن و مرد، «تناسب» است نه ناقص بودن یکی و کمال دیگری. قانون خلقت خواسته با این تفاوتها تناسب بیشتری میان زن و مرد برای زندگی مشترک بوجود آورد» (مطهری، ۱۳۵۳: ۱۶۹).

گفتمان حقوقی انقلاب اسلامی

گفتمان حقوقی اسلام به صورت عملی در بطن انقلاب اسلامی ایران فرصت ظهور، رشد و اجرایی شدن یافته است. گفتمان حقوقی انقلاب اسلامی توانسته است با کارگیری راهبرد علمی و کارآمد چالش‌ها و تنش‌های حقوقی را کاهش دهد. این گفتمان با نقد گفتمان سیاست غربی و گفتمان سنتی سیاست اسلامی با تلفیق منابع سه گانه (شرعی، عرفی و غربی) و در عین حال خودداری از التقاط منابع در طراحی الگویی برای سیاست حقوقی هژمونی خود را به اثبات رسانده است.

دانش حقوق مدرن، از حیث پیروی از مدرنیته دو ویژگی اساسی دارد: الف) استقلال از دین و لذا جایگزین دین با عقل تجربی به عنوان مبنای قاعده حقوقی؛ ب) وحدت گرایی، که به معنای رفع تکثر منابع حقوق (دین، دیگر انواع باورهای مابعدالطبیعی فرمان حاکم، برخی آداب و رسوم و...) و حرکت به سمت مبنا بودن دولت برای قاعده حقوقی بر اساس عقل خودبنیاد (راسخ، ۱۳۸۶: ۱۳). در مدرنیته حقوقی، نقش دکترین حقوقی - مذهبی بسیار کمزنگ است؛ چراکه روش مدرسی (scholastic) معتبر دانسته نمی‌شود. با این استدلال که یک نظام علمی واقعی و مبتنی بر

عقل تجربی نمی تواند بر تعبد برآمده از متون سنتی استوار باشد و نیز این که علم واقعی باید بنای خود را در یک "سیستم" بیابد نه این که از مقایسه موردی به دست آمده باشد (شهابی، ۱۳۸۸: ۷۷). اما تجربه حقوقی انقلاب اسلامی خط بطلانی بر استدلال های نظام حقوقی مدرن بود. از طرف دیگر این گفتمان با غیریت سازی خود با گفتمان های گروه های متحجر اسلامی توانست با ساختارشکنی گفتمان های پیشین بر اساس محوریت آموزه های اصلی اسلامی خود را تثبیت نماید. این غیریت سازی به ویژه در دهه اخیر در دوره استیلای گروه های تکفیری برجسته شد. گروه های تکفیری در قالب داعش، گفتمان جدید دینی خود را در قالب تغییر و تشدید مجازات از جمله اجرای علنی حدود مانند شلاق، سنگسار، سر بریدن، مثله کردن، اعدام های فردی و دست جمعی و... اعلام می داشتند. بر اساس این گفتمان، لیست اعمال ممنوعه بسیار فراتر رفته و اعمالی را نیز در بر می گرفت که در بیشتر مناطق دنیا به عنوان هنجار، عادی تلقی می شوند. در گفتمان حقوقی گروه های تکفیری مرز جرم، بزهکاری و گناه، بسیار در هم تنیده است. عجیب آنکه این گروه ها با تفسیری کاملاً متفاوت تحت عنوان "جهاد نکاح" معنای گناه و جرم را واژگونه می کند و آنرا به هنجاری مشروع تبدیل می کند؟!

مروری بر اندیشه های سخنوران مطرح گفتمان انقلاب اسلامی از جمله امام خمینی و مقام معظم رهبری، استاد مطهری، علامه طباطبایی و .. نشان می دهد این گفتمان با غیریت سازی خود از هر دو گفتمان سنتی و مدرنیته، در حوزه نظری و معرفت شناختی برتری ذاتی مرد نسبت به زن را به چالش کشید و در تقابل با هویت جنسی، بر هویت انسانی زن و مرد تأکید کرد:

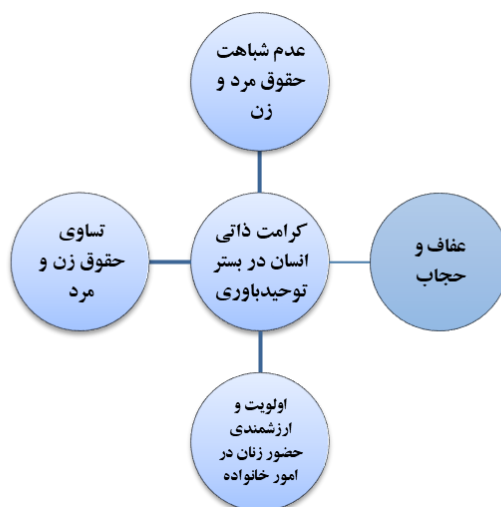
الف- علامه طباطبایی به عنوان یکی از پیشگامان گفتمان انقلاب اسلامی در تفسیر قسمت پایانی آیه ۱۳ سوره حجرات «...إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ» به استناد قرآن تنها مزیت و کرامت را برای انسان چه مرد و چه زن تقوا بر می شمرد (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۸، ۴۸۹).

ب- امام خمینی پیش برنده جریان و گفتمان انقلاب اسلامی در پاسخ به ملاک برتری میان زن و مرد می فرماید: «تقوا موجب برتری است و هر کدام از زن و مرد وظایف خاصی دارند». (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۴۶، ۳). ایشان در مصاحبه با روزنامه هلندی دی ولت گرانت در پاسخ به این سؤال که مشخصاً حقوق زنان در جمهوری اسلامی چه خواهد بود، می فرماید: از نظر حقوق انسانی، تفاوتی بین زن و مرد نیست، زیرا که هر دو انسانند و حق دخالت در سرنوشت خویش را هم چون مردان دارند، بلکه در بعضی موارد تفاوت هایی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آنها ارتباطی ندارد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۴، ۳۶۴).

ج- ایت الله خامنه ای در ارتباط با جایگاه زن در اسلام می‌فرماید: «اولاً نگاه اسلام به جنسیت یک نگاه درجه دو است: نگاه اول و درجه یک، حیث انسانیت است که در آن، جنسیت اصلاً نقشی ندارد... جنسیت یک امر ثانوی است، یک امر عارضی است، در کارکردهای زندگی معنا پیدا می‌کند، در مسیر اصلی بشر هیچ تأثیری ندارد و معنا پیدا نمی‌کند.» (بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده ۱۴/۱۰/۱۳۹۰)

د- به بیان استاد مطهری به عنوان یکی از رهبران فکری و تدوین کنندگان گفتمان انقلاب اسلامی هیچ تفاوتی در خلقت زن و مرد از لحاظ طینت و سرشت آن‌ها وجود ندارد: «قرآن با کمال صراحت در آیات متعددی می‌فرماید که زنان را از جنس مردان واز سرشتی نظیر سرشت مردان آفریده ایم.» (مطهری، ۱۱۷، ۱۳۶۹)

با همین رویکرد، شاهد حضور فعال و چشم گیر زنان پس از انقلاب اسلامی در دو سطح توده و نخبگان در عرصه‌های مختلف اجتماعی هستیم. تاکید بر این حضور، در سخنان تدوین کنندگان اصلی گفتمان انقلاب اسلامی از جمله امام خمینی و استاد مطهری بازتاب زیادی دارد (امام خمینی، ۱۳۷۸؛ ۱۲، ۲۷۵؛ مطهری، ۱۳۶۹؛ ۲۱۰).



شکل ۴- مفصل بندی گفتمان حقوقی اسلام

۵-۳-۱ تبیین شهادت زن در بستر گفتمان اسلامی: گفتمان اسلامی در مساله شهادت زن ضمن رد رویکرد حقوق سنتی، زنان را از حق شهادت محروم نمی‌کند؛ اما احکام شهادت زن با مرد متفاوت است. برخی گفتمان‌های التقاطی تحت تاثیر حقوق مدرنیته گاه به منظور بی اعتبار نمودن احکام فقهی شهادت شائبه‌هایی مطرح می‌کنند که در بین افراد

به ویژه بانوان حساسیت و بدبینی نسبت به آن احکام ایجاد می کند. متأسفانه بخش مهمی از این شائبه ها ریشه در یکسان تلقی نمودن گفتمان سنتی با گفتمان دینی دارد. در پاسخ به این شائبه ها لازم است نخست به ساختار اجتماعی عصر تنزیل و سپس به ضرورت بازنگری در حقوق زن و مرد به ویژه در مساله شهادت پردازیم:

الف- ساختار اجتماعی عصر تنزیل: نابرابری در برخی احکام صرفاً منعکس کننده ساختار اجتماعی عصر تنزیل است و هیچ ارتباطی به نابرابری ذاتی زن و مرد از دیدگاه اسلام ندارد. امام خمینی در ارتباط با وضعیت زنان در عصر تنزیل بیان می دارند: «اسلام در وقتی که ظهور کرد در جزیره العرب، بانوان حیثیت خودشان را پیش مردان از دست داده بودند.» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۰۰، ۶).

ب- نیاز به بازنگری در حقوق زن و مرد: ممکن است ادعا شود که احکام و مقررات اسلامی در زمینه حقوق زن با مقتضیات و شرایط زمانی هماهنگ نیست و قوانین ثابت نمی تواند پاسخ مثبتی بر احتیاجات دائماً در حال تغییر بشر باشد. در پاسخ «به نظر می رسد اسلام امکان تغییر در قوانین را فراهم ساخته است اما در انطباق و هماهنگی با مقتضیات زمان باید از دو عنصر جمود و جمل برحذر بود. جمود از هر چه نو است بیگانه و جهل، هر پدیده نو ظهوری را به نام مقتضیات زمان و تجدد و ترقی موجه می شمارد. هر دو، وضع قدیم را جزء شعایر دین می دانند لیکن جمود این شعائر را پاس می دارد و جهل دین را ملازم با کهنه پرستی و سکون می بیند.» (مطهری، ۱۳۵۳: ۸۵).

آیت الله خامنه ای در خصوص نیاز به بازنگری در حقوق زن و مرد می فرماید: «بعضی از قوانین در برخورد با زن و مرد احتیاج به اصلاح دارد. باید کسانی که اهل این کارها هستند، مطالعه کنند، بررسی کنند و قوانین را درست کنند. یک مسأله دیگر که باز از کارهای لازم است، این است که نظر اسلام در مورد حقوق زن و حقوق مرد باید تبیین شود، خود بانوان هم باید در این زمینه کار کنند. اما بیشتر کسانی که در معارف اسلامی آگاهی دارند تلاش کنند و بتوانند نظر اسلام را در آن جاهایی که حقوق زن و مرد متفاوت است، درست تبیین نمایند، تا هر کسی تصدیق کند که این دقیقاً بر اساس طبیعت و فطرت انسانی زن و مرد و بر طبق مصالح جامعه است.» (بیانات در دیدار با جمعی از زنان ۱۳۷۶/۷/۲۰). ایشان بر شیوه درست استنباط از قرآن، سنت، حدیث، دعا، متون اسلامی، کلمات و رفتار ائمه را به وسیله اهل و شایستگان و اتخاذ راهبرد و خطوط اساسی در زمینه مسایل زنان تاکید می کنند (بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور ۱۳۹۲/۱۱/۲۰).

در قرآن کریم در یک مورد به صورت خاص از شهادت زن و میزان ارزش آن صحبت شده است و آن طولانی‌ترین آیه قرآن؛ یعنی آیه ۲۸۲ از سوره بقره است که پس از بیان این که در مورد دین و طلب شخصی از دیگری، بهتر است موضوع مکتوب شود و شهادی بر آن گرفته شود در این آیه ابتدا از حضور دو شاهد مرد سخن رفته و اشاره شده که در صورت نبودن دو مرد، یک مرد و دو زن به عنوان شاهد در نظر گرفته شوند، دلیل آن هم به این صورت بیان شده که اگر یکی از دو زن شاهد موضوع را فراموش کرد و از یاد برد، دیگری یادآوری نماید و موضوع را به خاطر او بیاورد. با توجه به این که در بحث شهادت، قائلان به نقش جنسیت در اعتبار شهادت بیشتر تکیه بر تفسیر آیه ۲۸۲ سوره بقره می‌نمایند در ادامه ضمن اشاره به مهم‌ترین دیدگاه‌ها، و تحلیل و نقد آن‌ها در این خصوص خواهیم پرداخت.

دیدگاه اول و نقد آن: جمعی از صاحب نظران اسلامی وظیفه اصلی زن را تربیت فرزند و انجام امور منزل می‌دانند که اشتغال به این امور موجب غلبه نسیان در زنان نسبت به امور مالی است. در تفسیر «مجمع البیان» آمده است: نکته این که این مطلب فقط در مورد گواه بودن زنان بیان شده است، این است که زنان نوعاً پیش از مردان فراموش-کارند. (طبرسی، ۱۳۷۵: ۱۳۳) در تفسیر «من هدی القرآن» آمده است: «دلیل آن است که زن به جهت اشتغالات دیگری که دارد گاه آنچه را دیده فراموش می‌کند.» (مدرسی، ۱۳۷۷: ۴۸) در تفسیر «روان جاوید» (ثقفی تهرانی، ۱۳۷۶: ۳۶۰) در تفسیر شریف لاهیجی (لاهیجی، ۱۳۴۰: ۲۸۷) در تفسیر «المنیر» (زحیلی، ۱۴۱۱: ۳۶۷) و در تفسیر «تقریب القرآن» نیز به ضعف حافظه زنان اشاره شده است (حسینی شیرازی، ۱۴۰۰: ۳۶).

این رویکرد را می‌توان در بطن گفتمان حقوقی سنتی قرار داد که در بستر ایجاد تقاضاهای جدید اجتماعی قابلیت بازنگری در آن وجود دارد. در پاسخ به این دیدگاه یکی از نویسندگان چنین بیان می‌دارد: «بسیاری از احکام فرعی و مقررات حقوقی و کیفری به تناسب تحولات اجتماعی قابل تغییرند و وجود این نوع احکام حتی در متون دینی - اعم از کتاب و سنت - نیز نمی‌تواند به این معنا باشد که بدون در نظر گرفتن مقتضیات زمان و مکان و بی‌هیچ توجه قابل فهمی به طور مطلق ثابت تلقی گردند... اگر این نگرش بتواند مقبول واقع شود. بسیاری از دشواری‌هایی که هم‌اکنون در توجیه و اجرای قوانینی اسلامی وجود دارد از جمله مسئله گواهی زنان و قلمرو و ارزش گواهی آنان حل خواهد شد.» (مهرپور، ۱۳۷۸: ۱۸) یکی دیگر از نویسندگان در این مورد می‌گوید: «حافظه از لحاظ روانشناسی

محتاج به استمرار است. وجود زن در جامعه‌ای که در بازار کار راه نداشته باشد، حافظه خود را به کار نمی‌اندازد در نتیجه به آنچه می‌بیند توجه نمی‌کند و یا اگر اعتنا می‌کند، باز دیده یا شنیده را از یاد می‌برد... این حکم هم باز بر مبنای اغلب جاری شده است.» (حسینی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۰۹). آیت... جوادی املی در این باره می‌نویسد: این که شهادت دوتا زن در حکم شهادت یک مرد است نه برای آن است که زن عقلش ناقص است بلکه برای این که تذکر و حافظه‌اش کم است. برای این است که زن مشغول کارهای خانه، تربیت بچه و مشکلات مادری است لذا ممکن است آن صحنه‌ای که دیده است فراموش کند. (جوادی آملی، ۱۳۷۱: ۳۴۶).

با نگاهی به تاریخ معاصر می‌توانیم مشارکت زنان در امور اجتماعی بصورت اغلب نبوده بلکه به صورت محدود صورت می‌گرفته است. لذا در عصر ائمه نیز حضور حداکثری و غالبی زنان قطعاً وجود نداشته است که منجر به تجدید نظر در حکم گردد. لذا چنانچه زمانی غلبه نسیان در زنان از بین رفت و مشخص شد که احتمال فراموشی در زنان همانند احتمال فراموشی در مردان است نه زیادتیر. به حکم قاعدة «العله تخصص کما انها تعمم»؛ یعنی علت همان طور که باعث تعمیم حکم به مواردی است که در آن جا وجود دارد، باعث اختصاص حکم به مواردی است که علت در آن وجود دارد و شامل موارد دیگری نمی‌شود. در مسئله مورد بحث نیز فراموشی و کمی حافظه و بی‌دقتی و عدم مهارت در امور مالی و اقتصادی باعث شده که شهادت دو زن به جای یک مرد باشد، اما اگر در هر امر و در هر زمانی حافظه زن و مرد در شرایط مساوی قرار گرفت و ضریب اطمینان نسبت به شهادت آن‌ها با ضریب اطمینان به شهادت مردان مساوی بود، به گونه‌ای که حالت اغلب چنین باشد واصل نسیان محکوم به عدم باشد، شهادت آن‌ها با مردان برابر خواهد شد.

یکی از حقوقدانان معتقد است که شاهد زن در نظام حقوقی اسلام امتیاز ویژه‌ای نسبت به شاهد مرد دارد، چرا که شهادت مرد فراموش کار پذیرفته نمی‌شود ولی زن فراموشکار می‌تواند همراه خودش کسی را بیاورد تا آنچه از قضایا را فراموش کرده به یادش بیاورد. (عوا: ۱۳۸۵) هم چنین ما مواردی در فقه داریم که شهادت یک زن پذیرفته شده است. در این گونه موارد شهادت یک مرد حجت نبوده و پذیرفته نشده است.

دیدگاه دوم و نقد آن: بسیاری از مفسران عدم برابری ارزش شهادت زنان و مردان را ناشی از غلبه احساسات و عاطفه جوشان زنان می‌دانند. به گونه‌ای که عده‌ای معتقدند «زن هر چند هم از دانش‌های لازم برخوردار باشد، هرگز ماهیت او بخاطر این دانش تغییر پیدا

نمی‌کند و او همچنان عاطفی و تحت تاثیر احساسات است» (داودی، ۱۳۸۳: ۳۵۸) در تفسیر «من وحی القرآن» آمده است: «...جنبه عاطفی که مقتضای طبیعت مادری است در زن قوی‌تر است.» (فضل الله، ۱۴۰۵: ۱۳۳) در تفسیر نمونه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۸۷) در تفسیر «نور العرفان» (داورپناه، ۱۳۷۵: ۵۵۱) در تفسیر «فی ظلال القرآن» (سید قطب، ۲۰۱۵: ۳۳۶) به این مطلب اشاره شده است. شهید مطهری نیز چنین می‌فرماید: «...ولی یک چیز دیگر هست و آن این که عواطف زن در این موارد از عواطف مرد قوی‌تر است؛ (مطهری، ۱۳۷۱: ۱۳) علامه فضل الله عقیده دارد: «... در این زمینه زن به لحاظ قوی‌تر بودن جنبه عاطفی و احساسی‌اش از مرد بیشتر تحت تاثیر قرار می‌گیرد.» (فضل الله، ۱۳۸۵: ش ۱۸۷)

این رویکرد نیز در قالب گفتمان سنتی قرار دارد و می‌توان در آن بازنگری کرد. به این معنا که ممکن است احساسات و عواطف که در هر دو گروه زن و مرد وجود دارد، در زنان شدت بیشتری داشته باشد اما به همان میزان ترس نیز که از دیگر احساسات می‌باشد در زنان به مراتب شدیدتر از مردان می‌باشد. ترس از عدم بازگوئی حقیقت و عواقب آن می‌تواند عاملی بازدارنده از بروز احساس عاطفی باشد.

جمع بندی و نقد دو دیدگاه

بر مبنای نقد دو دیدگاه سنتی (فراموشی زن، غلبه عاطفه در زن) می‌توان گفت که نقد این دو دیدگاه بی‌آنکه با مبانی گفتمان حقوقی اسلام در تضاد باشد می‌تواند زمینه ساز بازنگری در احکام شهادت زنان در مجامع حقوقی و قضایی گردد. هرچند این بازنگری به مرحله عملی نرسیده است اما تدوین منشور حقوق شهروندی به عنوان یکی از مهمترین دستاوردهای گفتمان انقلاب اسلامی می‌تواند مقدمه ای باشد که گفتمان حقوقی انقلاب اسلامی را در تطابق با شرایط جدید اجتماعی در شرایط بهتری قرار دهد. در منشور حقوق شهروندی، به طور مستقیم تصریح به شهادت زنان و برابری ارزش آن با شهادت مردان نشده است، اما با این وجود می‌توان با استناد به بند ۳ قسمت الف منشور حقوق شهروندی به عدم تبعیض و تساوی زنان با مردان در برابر قانون به خصوص با تصریح به عدم ملاحظه جنسیت به تساوی عددی ارزش شهادت زن و مرد استناد نمود.

نتیجه گیری

نگرش جزئی و شخصی در برخی احکام اسلامی از جمله مساله شهادت زن موجب بروز شبهه تبعیض جنسیتی در ارزیابی احکام و مقررات نظام حقوقی اسلام می‌شود. اما شایسته آن است که در یک سیستم حقوقی که تمام احکام آن به طور ارگانیک و هماهنگ به یکدیگر

ارتباط دارند، تحلیل یک جزء و یک حکم آن با توجه به سایر اجزأ و احکام و مبانی آن انجام گیرد. این ارزیابی کامل نظام حقوقی زمانی میسر است که ویژگی کلی‌نگری را از دست ندهیم. ممکن است حکم واحدی بدون توجه به سایر احکام مرتبط عادلانه و ظالمانه به نظر آید، اما همان حکم در برداشت کلان و کلی عادلانه و منطقی جلوه نماید. با چنین استنباط مبتنی بر کلی‌نگری و منصفانه، می‌توان به بسیاری از نقدها در زمینه حقوق زن پاسخ داد. برخلاف گفتمان‌های طرفدار تساوی کامل حقوق زن و مرد، گفتمان حقوقی اسلام و به تبع آن گفتمان انقلاب اسلامی ایران، بطور اکید زن و حقوق او را در چارچوب خانواده مورد توجه قرار داده است. بر این اساس ممکن است در راه استحکام خانواده که نتیجه‌اش استحکام جامعه است تفاوت‌هایی ظاهری و جزیی در حقوق زن و مرد وجود داشته باشد. (قنواتی، ۱۳۷۹).

در این نوشتار، به منظور تبیین حقوق زنان در گفتمان انقلاب اسلامی مسأله از دو جهت مورد بررسی قرار گرفت: نخست: برابری جوهری شرافت و کرامت در زنان و مردان در گفتمان‌های پس از انقلاب؛ دوم: بررسی این نکته که نابرابری‌ها در برخی احکام صرفاً منعکس کننده ساختار اجتماعی عصر تنزیل است، لذا با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی در عصر حاضر با نگاهی نو به احکام شهادت زنان پرداخته و ملاحظه گردید آیه ۲۸۲ سوره مبارکه بقره از حیث دلالت کامل نیست و بر مدعا دلالت نمی‌کند، چرا که ناظر به شرایط و عنوان خاص است و با ازیین رفتن آن شرایط و عنوان حکم نیز منتفی می‌گردد. علاوه بر آن نص قرآنی درباره شهادت نسبت به حقوقی که در اسناد ثبت می‌شود می‌باشد، نه در شهادت بر قضایای بیرونی و اتفاقیه. بنابراین اصل در شهادت بر واقعیت‌های خارجی این است که هرکس در صحنه حاضر بود (بدون فرق بین زن و مرد) شهادت بدهد.

منابع و مآخذ:

-قرآن کریم.

-ابن عربی، ابوبکر بن العربی المالکی (۱۴۲۴ق)، احکام القرآن، محقق محمد عبدقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ج سوم.

-ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق)، لسان العرب دار احیا التراث العربی، بیروت دارالکتب العلمیه، ج اول، ج ۷.

-ابوصلاح حلبی (۱۴۱۰ق)، الکافی فی الفقه بیروت: موسسه فقه الشیعه الدار الاسلامیه ج اول.

-بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ق) البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، ج ۱.

-بشیر، حسن (۱۳۹۱). قرائتی با تحلیل گفتمان، تهران: انتشارات سیمای شرق.

-بشیر، حسن (۱۳۸۴) تحلیل گفتمان درجه ای برای کشف نا گفته ها، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ج چهارم.

-بی پرویش، مانفرد (۱۳۶۳) زبان شناسی جدید، ترجمه محمدرضا باطنی، تهران: نشر آگاه، ج دوم.

-تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴) گفتمان، پادگفتمان و سیاست، تهران: موسسه توسعه علوم انسانی.

-ثقفی، تهران، میرزا محمد (۱۳۷۶) روان جاوید در تفسیر قرآن، تهران: انتشارات برهان، ج دوم.

-جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۷) ترجمه نو لوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش.

-الحرالعالمی، محمد بن الحسن (۱۰۳۳-۱۱۰۴ق) و سائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه تحقیق عبدالرحیم الربانی الشیرازی، بی جا: دار احیاء التراث العربی، ج ۲۷.

-حسینی زاده، سید محمد علی (۱۳۸۳)، نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۸.

-حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۰۰ق) تقریب القرآن الی الازهان، بیروت: موسسه الوفاء، ج ۳.

-حسینی نژاد، حسینقلی (۱۳۸۸) ادله اثبات دعوا، تهران: انتشارات دانش نگار، ج دوم.

-حکمت نیا، مطهره، بهادری جهرمی، ثمینه (۱۳۹۵) بررسی نظریه تفکیک نقش ها در خانواده؛ فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی؛ دوره ۲، شماره ۴، صص ۳۶-۲۸.

-خمینی، روح الله (۱۳۷۸) صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

-داور پناه، ابوالفضل (۱۳۷۵) انوار العرفان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات صدرا، ج ۴.

-داوودی، سعید (۱۳۸۳) زنان و سه پرسش اساسی، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب، ج اول.

-راسخ، محمد (۱۳۸۶)، مدرنیته و حقوق دینی، فصلنامه مفید، شماره ۶۴.

-راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن مفصل (۱۴۱۲ق) المفردات فی غریب القرآن، دمشق: بیروت: دار العلم، الدار الشامیه، ج اول، ج ۱.

-الراوندی، سعید بن عبدا... بن الحسن بن هبه الله بن الحسن، متوفی ۵۷۳ق (بی تا) فقه القرآن، بی جا.

-رشید رضا، محمد رشید بن علی رضا بن محمد شمس الدین بن محمد بهاء الدین بن منلا علی خلیفه القلمونی الحسینی (۱۹۹۰م) تفسیر المنار، بی جا: الهیة المصریه العامه لکتاب، ج ۳.

-زحلی، وهبه (۱۴۱۱ق). التفسیر المنیر، بیروت: دارالکفار المعاصر.

-سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۳)، تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش، فصل نامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره ۲۸.

-سید قطب (۲۰۱۵م)، تفسیر فی ظلال القرآن، ترجمه مصطفی خرم دل، داندود از سایت vaislamah.com

-شهابی، مهدی (۱۳۸۸)، از حقوق سنتی تا حقوق مدرن؛ تاملی در مبانی تحول نظام حقوقی، فصلنامه نامه مفید، شماره ۷۶.

-شهید اول، ابی عبدالله شمس الدین محمد بن الشیخ جمال الدین مکی بن الشیخ شمس الدین محمد بن حامد بن احمد المطلیب العاملی البناطی الجزینی المشتهر بالشهید الاول ۷۳۴-۸۷۶ق. (بی تا) المعه الدمه شقیه فی فقه الامامیه، بی جا.

-شهید ثانی، زین الدین الجبلی العاملی (بی تا) شرح لمعه - الروضه البیهه فی شرح المعه الدمشقیه، تعلیق: آقای کلانتر، بی جا، ج ۳.

-صانع، فخرالدین (۱۳۹۳) بررسی فقهی شهادت زن در اسلام، تهران: انتشارات میثم تمار، ج نهم.

-صدر، حسن (۱۳۷۵)، حقوق زن در اسلام و اروپا، تهران: انتشارات جاویدان، ج هفتم.

-طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۸)، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، سید محمد باقر، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، بنیاد علمی فکری علامه طباطبائی، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ج پنجم، ج ۱۸.

-الطبرسی، ابوالفضل بن الحسن (۱۳۹۰) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد بیستونی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، شرکت به نشر.

-طوسی، محمد بن حسن (۲۸۴-۴۶۰ق) المسبوط فی فقه الامامیه، تصحیح و تعلیق محمد باقر بهبودی، مکتبه المرتضویه لاحیاء التراث الجعفریه

-علامه حلی، ابی منصور الحسن بن یوسف بن المطهر الاسدی ۶۴۸-۶۷۲ق. (۱۴۱۹ق) قواعد الاحکام، قم: موسسه النشر الاسلامی، ج اول، ج ۳.

-علامه حلی، ابی منصور الحسن بن یوسف بن المطهر الاسدی ۶۴۸-۶۷۲ق (۱۳۷۱) تبصره المتعلمین، شرح علی محمدی، تهران: انتشارات دار الفکر، ج ۲.

-عوا، محمد سلیم (۱۳۸۵) درآمدی بر اصول نظام کیفری اسلام، ترجمه: حمید روستای صدرآبادی، تهران: سلسیل.

-فرقانی، محمد مهدی (۱۳۸۲) راه دراز گذار، تهران: فرهنگ و اندیشه، ج اول.

-فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.

-فضل الله، سید محمد حسین (۱۳۸۵) زن از تگاهی دیگر، ترجمه مجید مرادی، تهران: انتشارات امیر کبیر.

-مهرپور، حسین(۱۳۷۸) بررسی ارزش شهادت زن در قوانین موضوعه ایران و مبانی فقهی آن، **فصلنامه نامه مفید**، شماره ۱۸.

-الموسوی الخمينی، سید روح ا... (بی تا) **تحریر الوسيله**، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۴.

-میلنر، آندرو و جف براویت (۱۳۸۵) **درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر** (ترجمه جمال محمدی)، تهران: انتشارات ققنوس.

-نجفی، محمدحسن (م ۱۲۶۶ق. ۱۹۸۱م) **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**، تحقیق: محمود قوچانی، تهران: دارالاحیاء التراث العربی، ج هفتم، ج ۲۶ و ۴۱.

-ون دایک، تئوای (۱۳۸۲)، **مطالعاتی در تحلیل گفتمان** (ترجمه پیروز ایزدی و دیگران)؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

-یورگسنس، ماریان و لونیز فیلیس (۱۳۸۹)، **نظریه و روش در تحلیل گفتمان** (ترجمه هادی جلیلی)، نشر نی: تهران.

-Lacalau, E and Mouffe (1985).Hegemony and socials strategy: toward a radical democratic .London: Verso.

-Schiffrin, D. (1994).Approaches to discourse, Oxford and Cambridge: Blackwell.

-فضل الله، سید محمدحسین(۱۴۰۵ق) **من وحی القرآن**، بیروت: دارالزهراء، ج پنجم.

-قجری، حسینعلی، نظری، جواد(۱۳۹۲) **کاربردتحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی**، تهران: انتشارات جامعه شناسان.

-قنوتی، جلیل(۱۳۷۹) **سیر تاریخی حقوق زن در قوانین موضوعه ایران**، کتاب نقد، شماره ۱۷.

-کاتوزیان، ناصر(۱۳۹۱) **مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران**، تهران: شرکت سهامی انتشار، ج ۸۳.

-گولد، جولیس و ویلیام ل کولب (۱۳۸۴)، **فرهنگ علوم اجتماعی** (ترجمه گروه مترجمان به کوشش محمد جواد زاهدی)، تهران: انتشارات مازیار.

-لاهیجی، بهاءالدین محمد بن علی (۱۳۴۰) **تفسیر شریف لاهیجی**، تصحیح محمد ابراهیم امینی، تهران: موسسه مطبوعاتی علمی.

-محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن (بی تا) **شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، تعلیق سید صادق شیرازی، تهران: انتشارات استقلال، ج ۴.

-مدرسی، محمد تقی (۱۳۷۷) **من هدی القرآن**، تهران: دارالمحیی الحسین، ج ۱.

-مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۷۸). **از جنبش تا نظریه اجتماعی تاریخ دوقرن فمینیسم**، تهران: نشر شیراز.

-مطهر حلی، حسن بن یوسف (۶۴۸-۷۲۶ق) **مختلف الشیعه فی احکام الشریعه**، تهران، مرکز ابحاث و الدراسات الاسلامیه.

-مطهری، مرتضی (۱۳۵۳) **نظام حقوق زن در اسلام**، تهران: دفتر نشر فرهنگ.

-مطهری، مرتضی (۱۳۶۹) **نظام حقوق زن در اسلام**، قم: انتشارات صدرا.

-مطهری، مرتضی (۱۳۷۵) **سلام و مقتضیات زمان**، تهران: انتشارات صدرا، ج هفتم.

-مطهری، مرتضی (۱۳۸۷) **آینده انقلاب اسلامی ایران**، قم: انتشارات صدرا.

-معلوف، لوئیس (۱۳۷۶) **المنجد فی اللغة**، قم: نشر بلاغت شرکت چاپ قدس، ج سوم.

-مغنی، محمد جواد (۱۹۸۱ م، ۱۴۴۲ق) **التفسیر الکاشف**، ج ۱، بیروت: دارالعلماء للملایین، ج ۳.

-المقدس الاردبیلی، المولی احمد (۱۴۱۷ق) **مجمع الفوائد و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان**، قم: موسسه النشر الاسلامی، ج دوم، ج ۱۲.

-مقدمی، محمد تقی (۱۳۹۰) **نظریه تحلیل گفتمان لاکلاو و موف و نقد آن، معرفت فرهنگی-اجتماعی**، سال دوم، شماره دوم، صص ۹۱-۱۲۴.

-المقری الفیومی، احمد بن محمد بن علی، م ۷۷۰ق (۱۴۲۵ق) **اللم صباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی**، قم: موسسه داره الحجره، ج دوم، ج ۱.

-مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴) **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۲.